

# دشمن میخواهد رهبر را تضعیف و امریکارا خندان کند

## \*دیوارهای تبریز را شعارهای ضد آمریکائی پر کرده است

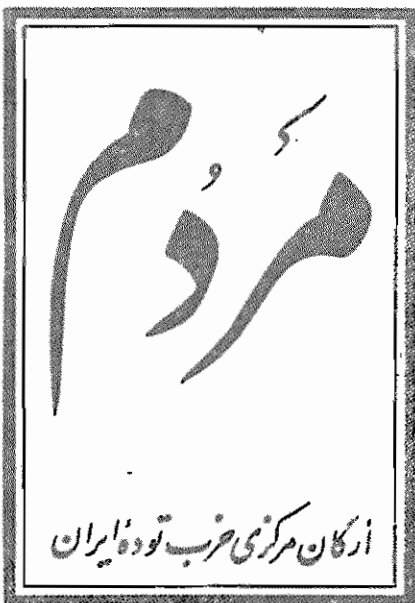
گروه زیادی از مردم تبریز  
عصر دیروز، در اجتماعی که  
در دانشگاه این شهر برگزار شد،  
سخن تأیید رهبری امام خمینی،  
توطئه های امریکالیسم آمریکا و  
واپسنگان داخلی آنرا محکوم  
کردند.

در این مراسم چند سخنران  
در مورد توطئه های امریکالیسم  
آمریکا در تبریز سخنانی ایراد  
کردند و عمل حزب خلق مسلمان  
را در جهت خواستهای امریکالیسم  
آمریکا خواندند.

همچنین شری به زبان آذری  
خوانده شد، ترجمه قسمتهائی از  
این سخن بدین شرح است،  
آی آذربایجان! ایران پریشان  
شده  
آی آذربایجان! دشمن به جلد  
دوست رفته است  
آی مسلمان! توطئه بزرگ است  
در کزنا و بدان که این مربوط به  
آمریکاست  
انقلاب از دست می رود،  
پس فکر کن، ربه دار شو  
بقیه در صفحه ۲

## با تحقق خواستهای خلق آذربایجان راه ضد انقلاب سد خواهد شد

رهبر انقلاب، امام خمینی، در  
سخنان خود خطاب به شورای رادیو  
تلویزیون متذکر شدند که:  
«باید این مطلب را برادرهای  
آذربایجانی ما، برادرهای کردستانی  
ما، برادران بلوچستانی، سیستانی،  
بختیاری، در هر جا که هستند  
ببایند که این مملکت که سال  
خوردگان است، خوردگان باینداره اش  
بکنند.»  
بقیه در صفحه ۶



دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۱۶  
شنبه ۲۲ آذر ۱۳۵۸ - شماره ۱۰ ریال

تلاش  
حزب  
جمهوری  
خلق  
مسلمان  
برای  
آشوب  
در تبریز

سرکردگان حزب  
جمهوری خلق مسلمان  
میگویند در نقاط مختلف  
شهرها ایجاد آشوب های  
موضعی آرامش را بهم میزنند.  
بقیه در صفحه ۲

# مستر کندی کور خوانده است...

واقعه پیام مستر کندی به امام از وقایع بسیار  
جالب و از شگردهای بسیار حيله گرانه امپریالیسم  
خونخوار امریکاست و همین دلیل باید کلی اشیاء  
گردد، تا از پشت پوستین گوسفند، چهره آدمخوار  
گروگ هویدا شود.

اینکه مستر کندی، کاندیدای ریاست جمهوری از حزب دمکرات  
است، اینکه حزب دمکرات با حزب جمهوریخواه آمریکا پشت دروی  
یک سکه اند و در نتیجه با تحویل و تحول کاخ سفید بیکدیگر، تغییر  
در ماهیت امپریالیسم آمریکا حاصل نشده، نشود و نخواهد شد  
(نظیر آنچه در آمریکا جانشینان، فوردها، نیکسونها، کارترها  
و غیره) اینکه امپریالیسم آمریکا بوسیله کارگزاران انحصارات  
امپریالیستی سیاست تجارزی، استبداد و غارتگری خود را اعمال  
کرده و میکند و تا جائی که بتواند خواهد کرد، اینکه ایران برای  
امپریالیسم آمریکا لانه چری بوده است که با انقلاب ایران از دست  
رفته و امپریالیسم برای بازپس گرفتن آن به هر وسیله ای متشبث شده،  
و میسر خواهد شد، واقعی است عیان و در چنان عیان که حالا  
دیگر هر تو آمریزی بدانها واقف است و لذا نیاز به تشریح آنها  
نیست.

از دیدگاه این واقعات، پیام کندی که از کاندیدایی ریاست  
جمهوری، از کارگزاری انحصارات امپریالیستی، تا کمان دست برد  
بقیه در صفحه ۲



هنرجویان هنرستان صنعتی تفرش در برابر جاسوسخانه امریکا

دو روز پیاده روی جوانان تفرشی  
برای محکوم کردن آمریکا

هنرچویان هنرستان صنعتی تفرش در برابر جاسوسخانه امریکا

نفرت خود را از امریکا اعلام  
نمودند.  
جوانان وزحمتکشان تفرش  
باچهره های سوخته و لسی مصمم  
خود باردیکی نمونه ای از پیوند  
خلق مبارز ما با خط امام را نشان  
دادند.

در روی پلاکارد جوانان  
تفرشی این شعار به چشم میخورد:  
«هنرجویان هنرستان صنعتی  
تفرش پشتیبانی خود را از امام  
خمینی، رهبر عالی قدر انقلاب اسلامی  
و دانشجویان پیرو خط امام تا آخرین  
قطره خون خود اعلام میکنند.»  
جلوی جاسوسخانه، یکی از

دیروز لانه جاسوسی آمریکا  
باردیکر شاهد همبستگی گروه های  
مختلف مردم با دانشجویان مسلمان  
پیرو خط امام بود.  
عده کثیری از جوانان و  
زحمتکشان تفرشی، که طی دو روز  
ده ها فرسنگ را پیاده طی کرده  
بودند، قبل از ظهر دیروز بجلوی  
لانه جاسوسی آمریکا رسیدند. آنها  
باشماره های:  
آمریکا آمریکا آمریکا  
نیرنگ تو  
خون شهیدان ما می چکد از  
چنگ تو

دروود به کارگران  
گمرک جلفا!

نمونه درخشان  
هشیاری  
طبقه کارگر

در صفحات بعد

راه رشد اقتصادی کشور ما  
از کدامین سو است؟

بازجوی ساواک در دادگاه:  
حزب زحمتکشان را  
ساواک تشکیل داد

ملاک عینی برای شناخت دوستان  
و دشمنان انقلاب ایران چیست؟

چه دستهایی در حل مسأله آمیز  
مسئله کردستان اخلال میکنند؟

«شورای کشاورزی تهران» یکی از  
لانه های ضد انقلاب

جنگ تبلیغاتی «دمکراسی غربی»  
علیه انقلاب ما

# اوپک

از هر وقت دیگری  
نیرومندتر است  
و میتواند به اتخاذ تصمیمات  
قاطع علیه سلطه امپریالیسم  
در نفت مبادرت ورزد

۲۶ آذرماه ۱۳۵۸، برای ۱۷۷ دسامبر ۱۹۷۹، اجلاس  
کشورهای صادرکننده نفت «اوپک» در کازابل، پایتخت ونزوئلا،  
گشایش می یابد. «اوپک» اکنون دارای ۱۳ عضو است که به ترتیب  
عبارتند از: ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، قطر، امارات  
متحد عربی (در حوزه خلیج فارس)، لیبی، الجزایر، نیجریه و کابن  
(در آفریقا) اندونزی (در خاور دور) و ونزوئلا را که او در  
امریکای لاتین). تولید روزانه نفت در این کشورها به ۳۲ میلیون بشکه  
بال می رسد. ۷۰ درصد ذخایر و ۶۰ درصد تولید نفت و گاز در جهان  
سرماهداری متعلق به اعضاء «اوپک» است. سهم این کشورها در صادرات  
جهانی نفت به ۸۰ درصد بالغ می گردد.

بقیه در صفحه ۲

## تدارکات جنگی آمریکا در خلیج فارس علاوه بر تهدید ایران، هدف تأمین و تثبیت سلطه نظامی آمریکا در سراسر این منطقه را نیز دارد

# برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق با دماز نظم نظامی متحد شود







# جنگ تبلیغاتی «دمکراسی غربی» علیه انقلاب ما

### مسائل ارتباط جمعی در غرب، سوار بر کسب دروغ و تحریف و جعل و تزویر، بیرحمانه بر انقلاب ما می‌تازد. افکار عمومی این کشورها، تصویری کج و معوج از انقلاب ما بر صفحه تلویزیون می‌بینند، مطالبی سرپا کذب و جعل در صفحات روزنامه‌ها می‌خوانند و اخباری تحریف شده از رادیوها و خبرگزاریهای خود می‌شنوند. در این ظلمات گمراه کننده، جوی گند آلود علیه انقلاب مردمی و پالسه سرشت ماسکین گرفته، تا خود مورد بهره برداری آفرینندگان آن قرار گیرد.

حقیقت رویدادها و حوادث انقلابی کشور ما، در مسائل ارتباط جمعی غرب بازتاب ندارد. آنچه بازتاب داد تصویر متکسر آنست که بجای آنکه همدردی و همبستگی و محبت جلب کند، ترس و وحشت پدید می‌آورد. بجای آنکه انقلاب ما آگاه این کشورها را بر حقیقت انقلاب ما آگاه سازد، بند تحمق و فریب و نفرت در اندیشه‌ها می‌افشاند.

تصویر روشن انقلاب ما در مصاحبه‌های امام خمینی منعکس است. اما مسائل ارتباط جمعی غرب را با این مصاحبه‌ها کاری نیست، و اگر هست، تحریف شده است. تصویر روشن انقلاب ما در نوشته‌ها و تظاهرات و اقدامات توده‌های مردم منعکس است، که به انقلاب باور و بی‌خنده دادند. اما مسائل ارتباط جمعی غرب به خواست توده‌ها بی‌اعتناست. با آنها کاری ندارد و سینه‌خیزان در جستجوی یک شدا انقلاب، یک روشنفکر «ناراضی»، یک باصلاح مارکسیست است، تا کلامی در رهجو انقلاب ما از دهان او بیرون کشد. زیر عسلی ذمه‌بین بگنجد. آنرا بزرگ ریزرگت کند، از کلماتهای تلویزیونی بد گیرد و این کلام نامربوط را با هزاران ترفند و درپرتو نور و رنگ، در چشم و گوش بیننده بی‌خبر بنشاند. وسائل ارتباط جمعی غرب، پشت کرده به واقفیت انقلاب ما، در کار آنست که یک مسلمان نما را در گوشه و کنار کره خاکی ما بپاید، از او علیه جمهوری اسلامی «فتوا» گیرد و به کمک ابطال او ثابت کند که مثلا خواست استرداد شاه به نفع مردم و عطف و باطنی است، که باید دیدن بر دباری و عطف و باطنی است، که جمله «اشیگل» منتشره در آلمان غربی کرده و از مفتی مصر، که اسلام را در خدمت خائنی چون سادات و امپریالیسم حامی او نهاده، درباره انقلاب ما و امام خمینی قضاوت طلبیده است.

مسئله ارتباط جمعی در غرب، سوار بر کسب دروغ و جعل و تزویر، بیرحمانه بر انقلاب ما می‌تازد. افکار عمومی این کشورها، تصویری کج و معوج از انقلاب ما بر صفحه تلویزیون می‌بینند، مطالبی سرپا کذب و جعل در صفحات روزنامه‌ها می‌خوانند و اخباری تحریف شده از رادیوها و خبرگزاریهای خود می‌شنوند. در این ظلمات گمراه کننده، جوی گند آلود علیه انقلاب مردمی و پالسه سرشت ماسکین گرفته، تا خود مورد بهره برداری آفرینندگان آن قرار گیرد.

میربخت، زمانی که کشور ما را به عراجه جنگی امپریالیسم میبست، هنگامیکه ایران را به ژاندارم خلفهای منظم بدل میکرد، دورانی که هر حرکت مردمی را با گلوله‌های آمریکائی و تانکهای بی‌رحم چینی ساخت امپریالیسم آلمان فدرال و انگلیس پاسخ میداد، زمانی که جوانان مصوم و مبارز و حقوق طلب ما را به برکت تبلیغات شکنجه‌گران آمریکائی و اسرائیلی و بدست «آرژ» ها و «آرمان» ها نابود میکرد، تلاششان آن بود تا افکار عمومی ما را با تصاویر رنگین ترسناک و فرج و شرح شیزندمداریها و عیاشی‌های آنان سرگرم کنند. آنها تکدام افکار عمومی غرب، ایران را کشور «زنیسای سز چشم» و «فرج دانشجوی معماری» می‌نشانند، که گویا ناگهان مرغ بخت بر سرشان نشست و ملکه کشور آسانهای هنر آریکشی شدند. آن روز چنان بود، امروز نیز چنین است.

مسائل ارتباط جمعی غرب، انقلاب توده‌های آگاه را، که ظالم‌ترین و دردناک‌ترین رژیم استبدادی قرن را بگور کرد، انقلاب توده‌های «کوره» می‌خواند، که گویا برهبری روحانیون «قشری» در کار بازگرداندن ایران به عقب هستند. تصور تلاش خیرگزاریهها، مطبوعات و رادیو - تلویزیون‌های غرب، جلب ترجمه برای محمدرضای سرگردان و خسانزاده او از یکسو و مسخ ماهیت انقلاب ایران از سوی دیگر است. آنها کشتار هفتاد هزار بیگناه را بدست شاه جلا د «طبیعی» می‌دانند، اما بر تیرباران چند ده نفر از رجال و امرای خائن رژیم پیشین اشک می‌ریزند. آنها از شکنجه جوانان ما بدست شش‌ه‌های عذاب نمی‌نویسند، اما بر «تکلیف» مانند زندانیان دوران انقلاب دلمی سوزانند. آنها بر حرکت مردمی، بر دل‌آوریهای اعجاب‌آمیز خلقی که مشوق روح نهرمانی و پایداری در همه خلقهاست، سرپوش می‌گذارند، اما هر حرکت مذهبی و شاه مخلوع و خسانزاده‌اش را بدقت دنبال می‌کنند و بر صفحات روزنامه‌ها و تلویزیون‌های خود بازتاب می‌بخشند.

در این لحظات تحریف و جعل و فریب و گمراهی، تنها نقطه روشن، روزنامه‌ها و مجلات متعلق به احزاب کمونیست کشورهای غربی هستند که شاره‌های حقیقت می‌افشاندند و از انقلاب ایران و مبارزات جانانه مردم ما در حد تواناییهای خود پشتیبانی میکنند. هر اینجاست که بار دیگر دوستان و دشمنان انقلاب ایران شناخته میشوند.

اما در مورد برخورد رسانه‌های گروهی غرب به انقلاب ایران باید پرسید چرا چنین است؟ راستی چرا چنین است؟

ریشه را باید در خصلت «دمکراسی غربی» جست که خود دروغ بزرگی است. «دمکراسی غربی» بر شدیدترین اشکال سانور، که پنهان داشتن حقایق از مردم و نشر دروغ و اکاذیب است، نام «آزادی مطبوعات» نهاده است. واقفیت است که سرمایه‌داری جز تحصیل حداکثر سود، بدین ایمانی ندارد و در این راه همه نهادهای سیاسی و اجتماعی را به خدمت گرفتار است. آن «آزادی» که در غرب بدان مینازند، آزادی غارت و پنهانگری است. مطبوعات غرب، خبرگزاریهها و رادیو تلویزیونها در انحصار گروهای انحصاری، در خدمت انصارات نفت و اسلحه، در انحصار کارتلها و ترانس هاست. انصارات هستند که در آمریکا، اروپای غربی و ژاپن بخش عمده مطبوعات و پیش رادیو - تلویزیونی را با پول می‌خرند. در آمریکا ۸۰ درصد پیش رادیو ۸۵ درصد مطبوعات را در اختیار دارند و بنام «اتحادیه ملی صاحبان صنایع» آنها را کنترل میکنند. آزادی مطبوعات در «دمکراسی غربی»، یعنی آزادی دفاع از منافع انحصارات. انصارات هستند که با خرید وسائل ارتباط جمعی جو دلخواه خود را بوجود می‌آورند، سناتور و نماینده از صندوق بیرون میکنند و لوائح و قوانین و مقررات را بسود خود به تصویب میرسانند. ارگانهای اجرائی خلق میکنند و در جهت حفظ منافع خود بکار و امیدارند، معنی گفتمان را کفلسر، یعنی کیسینجر را وزیر امور خارجه میکنند و صاحب مزرعه بادام زمینی، یعنی کالتر را بر سرند رئیس جمهوری می‌نشانند. در حیطه اقتصاد انصارات، اگر روزنامه‌ای بی‌اخطی نهرماند، حقیقت بنویسد و افشاگری کند حکم نیستی خود را امضاء کرده است. بدینسان عجیب نیست که انقلاب ضد امپریالیستی و رهائی بخش ما، که با بر سر منافع انصارات گذارده و بر غارتگری - شان پایان داده است، از آنسان تازیانه دریافت کند. دگرگون جلوه دادن خصلت انقلاب ما و نشر اکاذیب پیرامون آن، تازیانه انصارات فارتگر غرب بر پیکر انقلاب ماست. این تازیانه‌ها دل مسارابه درد می‌آورد، اما میدان غارتگری را دگر بار، هرگز به امپریالیسم نخواهد سپرد. آقایان خاطر جمع باشید!

## در مطبوعات کشور

### پیام رهبر جمهوری دمکراتیک خلق کره به امام خمینی

کمیل سونگ رهبر جمهوری دمکراتیک خلق کره به امام خمینی جهت اتمام حجتی ارسال نموده است.

متن این پیام که از طرف سفارت جمهوری دمکراتیک خلق کره در تهران در اختیار روزنامه انقلاب اسلامی قرار گرفته است، بشرح زیر است:

حضرت آیت الله امام خمینی رهبر ملت ایران

من از مبارزات عادلانه مردم ایران که تحت رهبری حضرت آیت الله امام خمینی، رهبر ملت ایران برای محکوم کردن دخالت و تیرنگ تجاوزکارانه آمریکا و دفاع از حقوق حاکمیت و حیثیت ملی انجام میدهند، حمایت کامل خود را ابراز میدارم.

من محاصره اقتصادی، تهدید و ارباب نظامی آشکار امپریالیسم آمریکا را علیه مردم ایران بعنوان رفارت جنگ طلبانه و فرور آمیز که بحق حاکمیت ملت ایران تجاوز میکند، محکوم میکنم.

مردم کره مداخله غیر مشروع و مانور تجاوزکار امپریالیسم آمریکا را نسبت به ایران بعنوان نه تنها حمله به مردم ایران، بلکه حمله به تمام مردم جهان که خواستار استقلال هستند، و مانور چنانست آمیز که صلح جهان را تهدید میکند. قویا محکوم می‌کنند زیر پروری انقلاب ایران که موجب شکست بزرگ آمریکا شده است. آمریکا برای بدست آوردن مقام قدیمی حاکم در ایران شریکانه تلاش بی‌خست می‌کنند. اقدامات ملت ایران بر علیه تیرنگ و توطئه و اعمال غیرمنصفانه امپریالیسم آمریکا در مورد استرداد شاه سابق کاملا عادلانه می‌باشد. مبارزات شجاعانه مردم ایران به تمام ملل کشورهای دیگر که به طرف استقلال ضد امپریالیسم

مقدمه‌راغای یا استناد سابق نیز، نماینده حزب جمهوری خلق مسلمان در مجلس خبرگان، مزدور آمریکا دمی آید و متاسفانه از دست دادگاه انقلاب میگریزد. اما آنچه که برای مردم بصورت سؤال باقی می‌ماند اینست که چرا افشاکری‌های اساسی زودتر صورت نمی‌گیرد؟ پیش از او، نزه و متین و قتری از چنگال عدالت گریختند.

چرا باید اصولدار این انقلاب به سانی چون مراغه‌ای‌ها فرصت داده شود که تا حدیک نماینده رده‌بایند و بلواهای آتجانی پدید آورند؟ چرا نباید از همان ابتدا، گذشته تمام افرادی که بنحوی مصدکاری هستند برای همگان افشاء شود؟ سیاست پشت پرده تنها امکان رشد نیروهای ضد انقلاب را تقویت میکند و پس...

مطلبی ارگانها و عناصر مشول اجازه نداد تا مبارزه علیه شاه بلافاصله بمبارزه علیه امپریالیسم در تمامی ابعاد آن امتیاز و تداوم یابد و همی وقفه و ملاحظه کاری بمنز دوران رژیم، ساواکسی‌ها و نوکران و جیره‌خواران امپریالیسم آمریکا و فرست طلبان و همه کسانی که در گرماگرم مبارزه خونین خلق، بنام طرفداری از قانون اساسی و آزادی‌های دمکراتیک از پشت به مبارزه خنجر میزدند و چوب‌لای چسرخ ارايه انقلاب می‌گذاشتند و آب به آسیاب دشمن میریختند، اجازه داد تا مواضع خود را مستحکم کرده و در بسیاری مراکز اجرائی و تصمیم‌گیری نفوذ کنند و با تظاهر به حمایت و دفاع از خلق و انقلاب اسلامی عملاتج راه تکامل انقلاب و مبارزه ضد امپریالیسم را تقویت می‌کنند.

### پیام جنبش مسلمانان مبارز به مردم آذربایجان: امپریالیسم آمریکا به لیبیرالیسم سازشکار متکی بود

جنبش مسلمانان مبارز طی پیامی خطاب به مردم قهرمان و مبارز آذربایجان، با تشریح انقلاب خونین خلق مسلمان ایران برهبری قاطع و آتشین ناپذیر امام خمینی، خاطر نشان کرده است. انقلاب پس از غلبه بر استبداد سلطنتی، زیر فشار گرایش‌های شدید ارتجاع لیبرالیستی قرار گرفت و حرکت انقلابی آن کند کردید و در مبارزه ضد امپریالیستی آن وقفه‌ای حاصل نگشت، محافظه کاران سازشکار...

کالی آمریکا نخریم!

فرد فرد ما مصرف کالا‌های آمریکائی را بر خود تحریم کنیم، تولید داخلی خود را ارج نهمیم و کالی آمریکا را بر سرش بکوبیم. قاطع ریشه تسلط امپریالیسم بر سر کدی امپریالیسم آمریکا از میهن ما، سر انحصار دوران محرومیت هم پایان خواهد یافت. با تأمین استقلال و آزادی کامل ایران، به رفاه و عدالت اجتماعی نیز خواهیم رسید.

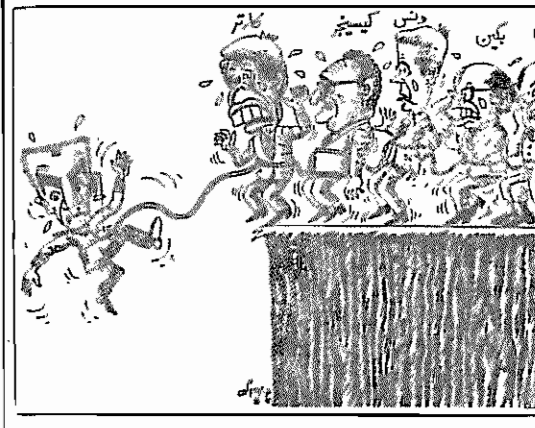
خود را برای یک دوران محرومیت آماده کنیم و جسمه انقلابی خویش را با روح قناعت، فداکاری و پایمردی در برابر امپریالیسم حصارخانه از آمریکا

### هشدار پرسنل پایگاه یکم نیروی هوایی به سر سپردگان امپریالیسم

امریکا باشد علی‌سند انقلابی می‌دانیم. ما پرسنل پایگاه یکم ضمن تأیید رهبری امام خمینی هرگونه حرکتی که باعث تشکیف رهبری و انقلاب گردد محکوم نموده، و این هشدار است بتمام مزدوران و سرسپردگان وابسته که تا آخرین قطره خون خود را در راهی و انقلاب دفاع خواهیم کرد. هر که در دوران و عوامل وابسته به امپریالیسم، مستحقش باد هرگونه اتمام، بوضعی پایگاه یکم مستحقه مهر آید (کیهان - ۱۹ آذر)

بسمی دارند، الهام بخش است شکست سیاست تجاوزات و دخالت امپریالیسم و پیروزی مبارزات مردم برای استقلال جوهی جریان تکاملی تاریخ عصر امروز است که هیچ عاملی مانع پیشرفت آن نمی‌باشد.

مردم کره قاطعانه اصرار دارند که امریکا باید بنا به خواست مردم ایران پهلوئی را با ایران تحویل بدهد و از تمام فشارهای سیاسی و اقتصادی و تهدید نظامی نسبت به ایران خودداری کرده و بیدرنگ از مداخله خود در امور ایران دست بردارد. من اطمینان دارم که مبارزات قاطع ضد امپریالیستی ملت ایران تحت رهبری راستین حضرت آیت الله امام خمینی حتماً به پیروزی می‌رسد. ۲۲ نوامبر ۱۹۷۹ (روزنامه انقلاب اسلامی - ۱۸ آذر)



### باید کارنامه سیاسی تمام افرادی که به نحوی در هر گوشه مملکت نقش دارند، روشن شود

چعب داد که از همین امروز کارنامه سیاسی تمام افرادی که به نحوی در هر گوشه مملکت نقش دارند روشن شود تا هم به شایعات بی‌اساس پایان داده شود هم فرصت طلبها و ضد انقلابیون بظاهر انقلابی در هر لیا سناخته شوند. اگر مردم در بی‌خبری بمانند، واگر شناخت کامل و دقیقی از مسئولین نداشته باشند، خیلی زود جذب شایعات فریبنده دشمن شده و بدامن او سقوط میکنند. انقلاب باید به روشی سازگار نیست. در این لحظات حساس که تنها ایمان به شخصیت‌های اصیل انقلاب ما را حفظ کرده است، چهره‌های مزور و مزدور به رنگ و در هر لیا سناخته شوند تا ایمان مستضعفان به پیروزی انقلاب بیشتر گردد. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۵۸/۹/۱۸)

### در کارخانه رنگ‌سازی رنگین

کارخانه رنگ‌سازی رنگین در ۶ کیلومتری جاده مخصوص کرج قرار دارد. (تأسیس سال ۱۳۴۴)

چنانکه از نام کارخانه پیداست، محصولات این کارخانه انواع رنگهای صنعتی، تزئینی و... است، که تهیه مواد اولیه آن با شرکتی هلندی است و از ابتدای انقلاب کاش در ادامه ارسال مواد وجود نداشته است.

سهاستاران این کارخانه ایرانی هستند و در مجموع این کارخانه ۳ کارخانه یزدی‌ساف، فیلکو، فیلود و پلاستی‌دان را در اختیار دارند.

تعداد کارکنان این کارخانه حدود ۳۰۰ نفر است، که ۲۰۰ نفر آن کارگرند.

قسمتهای مختلف کارخانه عبارتست از انبار برای مواد رنگین، قسمت مقدماتی، تانکهای بهم‌زن برای تولید رنگ، قسمت بسته‌بندی، انبار رنگ و قسمت، تانک شویی.

این کارخانه بیشتر با مواد شیمیایی سروکار دارد، از قبیل دزین و تیش که در محیط‌بوی نامطبوع آن همیشه است. هم‌چنین گردوغبار حاصله از جابجائی پودر دزین در محیط بمقدار زیاد پراکنده است، بخصوص در قسمت مقدماتی. از این لحاظ کارگران باید مجهز به وسائل بهداشتی مثلا ماسک باشند، تا از عبور آن به ریه خودداری شود. کارگران از فقدان این وسائل شکایت دارند.

در این کارخانه حداقل حقوق کارگران رعایت نمیکرد. کارخانه دارای سلف سرویس است. شرکت تعاونی نیز وجود دارد.

در این کارخانه، در بعضی از قسمتها، احتیاج به کفش ایمنی می‌شود و کارخانه به علت نداشتن قسمت شستشوی لباس، شستن آنها را به خود کارگران واگذار کرده‌است. معمولاً لباسها کثیف‌اند. در این کارخانه به علت آلودگی لباسها ب مواد سمی و کثیف، شستن لباسها مضر است. کارخانه حسام دارد، ولی برای همه کارگران قابل استفاده نیست.

بعد از انقلاب به علت شرایط مساعدی که برای بالا رفتن آگاهی‌سنجی و سیاسی کارگران وجود داشته، کارگران این کارخانه رنگین

### اخبار کارگری

اطلاعه زیر از جانب سندیکای مستقل کارگران خطوط لوله و مخبر ات. تأسیسات ریه دفتر «مردم» رسیده است:

### هم وطنان قهرمان

سندیکای کارگران خطوط لوله و مخبر ات در این برهه تاریخی حساس که به رهبری امام خمینی، قاعداظم، که می‌دور ریشه رنگین و غارتگران امپریالیسم جهان فتواد امریکا و دیگر همکاران پلید او را پنهان کند، وظیفه خود می‌داند که ندای حلقه طلبانه کارگران و دیگر زحمتکشان شرکت منحل فلوردا بکوش می‌بهبان بویژه مشولین امرسانده و از متفرق شدن متخصصین زبده و کارای شرکت فوق که هر یک سرمایه اندرند برای این مزدبوم هستند، جلوگیری و از نیروی آنان استفاده بعمل آید.

نامه زیر به دفتر «مردم» رسیده است:

### شکایت یک کارگر بیکار

دمن جوان کارگری هست که جز دو سبازوی کلاس‌مابه‌ای ندارد. قبل از انقلاب در شرکت کانال کشی ساپ، واقع در قزوین و سیلو، واقع در ۱ کیلومتری قم، کار می‌کرد. یکبار پس از اتمام کار و بار دیگر در جریان تظاهرات قبل از انقلاب مرا از کار اخراج کردند.

هفت ماه پیش به استخدام شرکت اکیاتان درآمد. اما پس از ۶ ماه شرکت من بود. در تاریخ ۲۶ آبان ماه جاری، مرا همسراه با عده‌ای دیگر از کارگران قسمت ایمانکاری از کار اخراج کرد. در درموقع اخراج، مبلغی، فقط معادل ۵ روز دستمزد بمن پس‌ر داخت کردند، تا در این فاصله کوتاه برای خود کاری دست‌وپا کنم. اکنون قریب یکماه است که بیکارم. به وزارت کار شکایت کرده‌ام، که هنوز جوابی بمن ندادند. منکه متکفل بخارج پدر و مادر بیر خود، عسر و فرزندم هستم، نمی‌دانم پادست خالی چگونه



# راه رشد اقتصادی کشور ما از کدامین سواست؟

## راه رشد سرمایه داری یا غیر سرمایه داری؟

مضمون عمده آن قشرندی که در صفوف انقلابیون در دوران پس از سرنگونی رژیم شاه مخلوع روی داده، مسئله انتخاب راه رشد اقتصادی است.

بورژوازی لیبرال طرفدار راه رشد سرمایه داری است. حرف او اینست که ما انقلاب کردیم تنها برای آن که از شر تئودت انصاری خانواده پهلوی و جواسی این خانواده خلاص شویم. نمایندگان روحانی و غیرروحانی بورژوازی لیبرال حتی حاضر به سرنگون ساختن سلطنت نبودند، فقط میخواهند سلطنت «مطلبه» نباشد و قانون اساسی در حدود قانون اساسی سال ۱۹۰۶ اجراء گردد و سپس همه چیز در سیاست داخلی و خارجی و مشی اقتصادی سریعتر خود را طی کند: بهره کسان استثمار کنند، بهره دهان استثمار بشوند و جامعه با سیستم اقتصادی سرمایه داری و با نظام سیاسی پارلمانتاریسم غربی اداره شود. طبیعی است که این آزادیهای لیبرال هم تا وقتی حفظ میشد که تیمسار تازه ای برای ایجاد «نظم و انضباط» کودتا کند.

ولی دمکراتهای انقلابی و برعکس آنها امام خینی حرف دیگری میزنند. آنها بایقاع سلطنت در موقع خود شدت مخالف بودند. آنها خواستار ادامه روابط ناپراب با غرب امپریالیستی نیستند. راه رشد اقتصادی مبتنی بر بهره کشی بی بندوبار سرمایه - داران بزرگ و ملاکان بزرگ را نیز نمی پذیرند. سیستم پارلمانی مد غرب راه مظهر کامل دمکراسی و حکومت مردم نمی شنوند. مطلب از نظر آنها بکلی طور دیگری شرح میشود.

دردوران انتقال نبرد سختی بین این دو قشر در گرفت. پس از اشغال جاسوسخانه آمریکا، پس از پیروزی قانون اساسی جدید علیرغم کارشکنی ها و پس از حوادث تبریز، باید گفت که این نبرد بین لیبرالها و دمکراتها بسود دمکراتهای انقلابی در شرف خاتمه یافتن است. البته هنوز ضد انقلاب و عناصر راست گرا ایدئولوژیک بتوانند از اختلاف در جبهه نیروهای انقلابی و از کمبودها و نارسائی ها و شیوه های نادرست در دستگاه اجرائی دولت انقلابی و از دشواری های دوران گذار بهره جوئی کنند، ولی علیرغم این محاسبات، باید گفت که در دوران دوم انتقالی، ضد انقلاب بطور عمده در مبارزه دچار ناکامی شده و رویدادهای هفتدهای آینده در این زمینه بنظر میرسد که قاطع خواهد بود.

دوران جدید، یعنی دوران نوسازی، بتدریج آغاز میشود و ما تصریح کردیم که در این دوران به داشتن دید درست نیازندیم و از آنجمله بویژه دید درست در زمینه راه رشد اقتصادی کشور. بنظر ما راه رشد آتی ایران باید راه رشد غیر سرمایه داری باشد. راه رشد غیر سرمایه داری چیست؟ در این زمینه ابهام و ناروشنی در اذهان وجود دارد. يك مقاله برای پاسخگویی بمسئله کافی نیست. ولی بقول عرب: «مالایرک کله، لایرک کله». یعنی اگر به چیزی تماما نرسیم، لاقلا تماما آنرا ترک نکنیم. لذا در این مقاله باختصار میکوشیم تا محتوی «راه رشد غیر سرمایه داری» را توضیح دهیم.

## دوران تاریخی کنونی، دوران انهدام امپریالیسم است

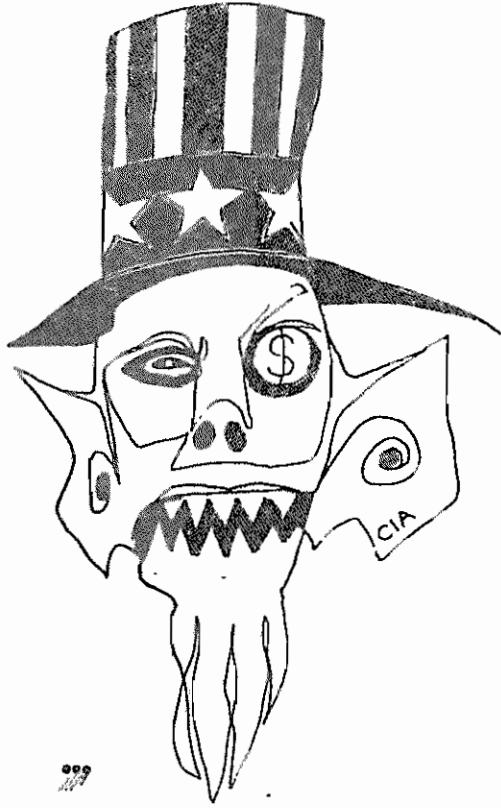
دردوران تاریخی کنونی، که دوران انهدام امپریالیسم و حرکت تدریجی جهان از جامعه طبقاتی بهره کشی بسوی نظامی از طبقات متناقض و بهره کشی انسان از انسان در مقیاس جهانی است، راه رشد سرمایه داری پیچیده آن راه عمومی تکامل نیست که در سابق همه خلقها محکوم و مجبور بودند آنرا بپذیرند.

سیستم جهانی سوسیالیستی به عامل قاطع تکامل تاریخ بشر تبدیل شده است و لذا امکانات واقعی بوجود آمده است که با طی مراحل واسطه، بسوی نظام عاری از بهره کشی و طبقات برویم، که آنرا اندیشمندان مبارز مذهبی ما «نظام توحیدی»، «نظام مکتبی»، «نظام قسط اسلامی» مینامند و مارکسیست ها طبق تضاد بین مقدمات علمی و منطقی خود، آنرا نظام سوسیالیستی و کمونیستی نام میکنند. البته این دو استنباط عین هم نیست، ولی این دو وجه مشترک اجتماعی و اقتصادی مهمی دارند و شاید هم وجهی که دارای جنبه تابع است. بگمک این «مراحل واسطه» میتوان، بدون طی کامل مسیر سرمایه داری، بطرف آن نظامات انسانی گام برداشت.

این مراحل واسطه، که ما آنرا راه رشد غیر سرمایه داری نام میکنیم، هنوز راه سوسیالیستی نیست، بلکه يك محل و مقدمه ضرور برای نیل بدانست.

در اینجا يك سلسله تضادهای مهم بنیادی وجود دارد، که ناشی از عقب ماندگی و ناپساامانی اقتصاد استثمارزده و وابسته سرمایه داری موجود در کشور ما است، که بی مودن بلا مانع راه رشد سالم و تازه ای را دچار اشکالات فراوان میکنند.

تربیت کادر لازم برای اداره يك اقتصاد سالم و مستقل، شروع مقدماتی اداره چنین اقتصادی است. کشور ما از جهت چنین کادری غنی نیست و این مسلم است که باید از برای کادری «دور درجه دوست» که نسبت بما تصدو غرض استثمار ندارد، در درجه اول کشورهای سوسیالیستی، برای پرورش هر چه سریعتر و هر چه وسیعتر چنین کادری سود جست، کادری که در گذشته تربیت شده، بدون آنکه تفسیر افراد باشد، «از جهت اسلوب مدیریت و هم از جهت محتوای معلومات دارای نقایس گام جدی است. البته استثناء وجود دارد.



«شیطان بزرگ» دشمن عمده خلق ما است برکنده باد چشم «دلاری» او و گوش «سپاهی اش»!

## مختصات و اسلوبهای اساسی تبلور راه رشد غیر سرمایه داری در ایران

خطوط مشخصه و اسلوبهای اساسی تبلور راه رشد غیر سرمایه داری در کشور ما بقرار زیر است:

الف - تبدیل بخش دولتی به بخش رهبری کننده در اقتصاد کشور و استفاده از این بخش و بخش تعاونی برای سست کردن مبانی بهره کشی. قانون اساسی جدید ما خود در این زمینه تصریحات مکرر دارد.

ب - کاربرد رهنمودهای برنامه ای (نقشهای) برای اداره اقتصاد کشور، که آنچه در قانون اساسی جدید توصیه شده است.

ج - ایجاد دوران رونق و اعتلاء اقتصادی از طریق صنعتی کردن، اجراء اصلاحات ارضی واقعی بسود دهقانان بزمین و ترمیم دستار ده و از بین بردن بقایای رژیم ارباب - رعیتی و وسیطه خانان عشیرتی.

د - ملی کردن مؤسسات انحصاری امپریالیستی و سرمایه - داری بزرگ وابسته به آنها و کاستن از آهنگ رشد سرمایه داری و محدود کردن آن.

ه - دمکراتیک کردن حیات اجتماعی از راه شرکت دادن توده های زحمتکش شهرونده در حیات سیاسی و اقتصادی. نظام شورایی که قانون اساسی جدید توصیه میکند، قاعدتاً باید اجرائی چنین وظیفه ای را تسبیل نماید.

و - همکاری با کشورهای سوسیالیستی و ضد امپریالیستی در زمینه های مختلف.

روشن است که برای تحقق بخشیدن به اقدامات مهم ذکر شده، يك دوران همین تاریخی، که ما آنرا دوران نوسازی و تثبیت انقلابی مینامیم ضرور است. در این دوران نیز نبرد «دگر بر که» برای تغییر قلمی تناسب نیروها بسود نظام توریسته کن کردن سرمایه داری در همه زمینه ها ادامه میابد. یعنی راه رشد غیر سرمایه داری هنوز امکان سیر قیامی، امکان تحول ضد انقلابی را در برهن خرد نمان دارد. زمانی این نبرد پایان میابد که حاکمیت دمکراسی انقلابی به حاکمیت بالاتر، عاری از بهره کشی، بدل شود.

«راه رشد غیر سرمایه داری» که هم اکنون در برخی کشورها تجارب مثبتی را در پشت سر گذاشته است، يك پدیده نو در درون تاریخ جهان است. در کشورهای استثمارزده سابق، که این راه را در پیش گرفته اند، طبقه کارگر رشد کنی و کیفی میابد و این آن نیروی عمدی است که در اتحاد با لایه های دیگر زحمتکشان و با تکیه بر سیستم سوسیالیستی جهان و جنبش های راهی بخش ملی میتواند مسیر خود را بپلوی بگشاید و متاوت سرمایه داری محلی و جهانی را درهم بشکند.

دو وظیفه عمده این مرحله عبارت است از: (۱) نبرد تلیه انحصار امپریالیستی برای خاتمه دادن به وابستگی، (۲) نبرد برای ترقی اجتماعی و ایجاد دمکراسی ملی.

انقلاب ملی و دمکراتیک که در کشور ما روی داده، از این جهت از انقلاب بورژوازمکراتیک، که در گذشته در برخی کشورهای مستعمره روی داده بود، متبیت تر است، یعنی قادر است دو وظیفه نامبرده در فوق را به این گیرت اجراء کند.

## جبهه متحد خلق ضامن پیروزی راه رشد غیر سرمایه داری است

تکامل راه رشد غیر سرمایه داری در هر کشوری به رونمای سیاسی آن کشور مربوط است. این تکامل به ایدئولوژی و منافع قشرهای میانه ارتباط دارد. این راه محکمتر و مطمئن تر طی میشود اگر به جبهه ای از همه قشرهای نیدخل و ذیعلا نه به انقلاب متکی باشد، مانند جبهه متحد خلق، که در آن از قشرهای معین بورژوازی ملی گرفته تا پروتاریا، با سازمانهای امیل سیاسی و ستندیکایی و اجتماعی خود شرکت ورزند. این جبهه از کان دمکراسی انقلابی است و دمکراسی انقلابی بطور عمده عبارتست از روشنفکران غیر مربوط به قشرهای ممتاز اعم از روحانی و غیر روحانی، و نیز توده های دهقانی و پروتاریا و تهیدست شهرونده، که دارای نظریات ریشه گرا و رادیکال برای تحول اجتماعی هستند. اگر در این روند، به نقش کارگران، که از جهت تاریخی استعداد حرکت به پیش دارند، کمپها داده شود و به نقش بورژوازی (ولوتوسط) که از جهت تاریخی واپس گرا و محافظه کار هستند، برپاداده شود، جریان تکامل غیر سرمایه داری دچار اشکالات جدی خواهد شد. باید توجه داشت که طبقه کارگر ایران بر عده است و اگر بدرستی در سازمانهای سندیکایی و شورایی و سیاسی شکل یابد و نقش در خود در درجه ایفاء کند، نیروی مهمی است که میتواند در حفظ تکامل اجتماعی از انحرافات راست و ضد انقلابی بسیار موثر باشد. مسئله اتحاد عمل احزاب دمکراتیک انقلابی (واژ آنجمله احزاب و سازمانها و گروههای مذهبی انقلابی پیرو راه خینی در کشور ما) یا حزب مارکسیستی کشور (حزب توده ایران) عامل مهم دیگری است که برای راه رشد اقتصادی و اجتماعی معین ما سرنوشت ساز است. اتخاذ روش خصمانه نسبت باین حزب، به شهادت تاریخ، مایه گسرها و فاجعه هاست.

پایه اقتصادی تکامل غیر سرمایه داری عبارتست از بسط مقدم بخش دولتی، ولی در پیوند با بخش خصوصی. این پایه خود يك پایه هتناقضی است. یعنی این امکان وجود دارد که سرمایه خصوصی بکوشد تا بکمک بخش دولتی مقام سیطره مندی را احراز کند و بتدریج نظارت خود را به دولت مستقر سازد. ولی از میان بردن شتاب زده مالکیت خصوصی نیز میتواند نتایج نامطلوب سیاسی و اقتصادی بدنیال داشته باشد، زیرا در شرایط مشخص ما تنها بخش دولتی قادر است يك رونق سریع اقتصادی کشور را تامین کند. اداره این روند متناقض به درایت سیاسی رهبران کشور و همکاری همه نیروهای ملی و دمکراتیک نیازمند است.

بورژوازی کوچک و متوسط معمولاً از دمکراسی انقلابی حمایت میکند، زیرا در پیوست سرمایه بزرگ وابسته به سلطنت مستبد و امپریالیسم رنج میکشیده، ولذا دولتهای دمکراتیک ملی از فعالیت سرمایه های متعلق به این اقشار بورژوازی برای رشد نیرو های مولده کشور استقبال میکنند.

نظام غیر سرمایه داری در مراحل آغازین خود به تحولات عمومی دمکراتیک و ضد امپریالیستی رشد فتودالی دست میزند. بخش دولتی امر مهمی برای غلبه بر عقب ماندگی و وابستگی است و به مثابه بخش عمومی عمل میکند. این بخش را میتوان يك بخش عمومی دمکراتیک دانست، زیرا مانند بخش دولتی در نظام پیشین، تحت نظارت يك بسور و کراسی وابسته به بورژوازی بزرگ و امپریالیسم نیست، بلکه میتواند تحت نظارت انقلابی توده ها تولید و توزیع را در مقیاس جامعه تنظیم کند و توده های زحمتکش بنوبه خود قادرند درستی که بخش دولتی مورد استفاده قرار میگيرد، نفوذ خود را اعمال نمایند.

## تجارب دیگران را در زمینه راه رشد غیر سرمایه داری بررسی کنیم

بررسی تجارب کشورهای مانند الجزایر و سوریه برای بازسازی اقتصاد ما خوب است. اینکه آقای دکتر ابراهیم یزدی، وزیر سابق خارجه، به ملان و ترمیض، پس از بازگشت از الجزیره گفته است که پس از ۱۷ سال که از انقلاب میکشود، هنوز اقتصاد این کشور مشکلات مهمی دارد، حد فزونیاتش روشن است. ولی علیرغم این مشکلات (کدام اقتصاد است که مشکلات نداشته باشد، تجربه الجزیره و سوریه و لیبی و کشورهای نظیر را باید بررسی کنیم تازه استقلال يك اقتصاد خلقی را بپاییم.

تردید نیست که پیشرفت خلقها در جاده غیر سرمایه داری با مبارزه طبقاتی «ان هرا» است. این نبرد تنها در عرصه سیاست نیست، در عرصه اقتصاد، ایدئولوژی و فرهنگ نیز هست. ما بین این مبارزه طبقاتی در داخل کشور و نبرد طبقاتی در مقیاس جهانی (بین سوسیالیسم و سرمایه داری) نیز ارتباط هست. کشورهای که در راه تکامل غیر سرمایه داری گام بر میدارند، در نبرد علیه امپریالیسم پایگاه موثری قازمی بوجود می آورند و میتوانند انزل امپریالیسم را تسریع کنند. هم اکنون ما در این زمینه نقش نظر گیری ایفاء میکند.

بنظر ما، شورای انقلاب باید چارچوب سیاسی اقتصاد داشته باشد، کشور را (که ما عقیده خود را در این بررسی کوتاه دربار آن بیان داشته ایم) برای آینده نزدیک هر چه زودتر تعیین کند و به جامعه دور ما امید و شور و آفرینش عملا نماید.

بازجوی ساواک در دادگاه فاش کرد:  
حزب زحمتکشان را ساواک تشکیل داد  
حزب پان ایرانیست موافق دولت بود و تنها در مورد بهترین اختلاف داشتند

یکی از اعمال ساواک، که سالیهای دراز مأمور کنترل حزب پان ایرانیست و حزب زحمتکشان بوده است، در دادگاه انقلاب گفت:

حزب پان ایرانیست بسا دولت مخالف نبود و حزب زحمتکشان را ساواک تشکیل داده بود.

امیر سمنانی، که با نام مستعار فروتن، سالها رهبر عملیات پخش امنیت داخلی ساواک تهران، ایینه رشت و بازجوی کمیته مشترک ضد خرابکاری بود، در دادگاه انقلاب گفت:

در آغاز استخدام در ساواک مرا به عنوان رهبر عملیات مشغول دو هفت قرار دادند که یکی حزب پان ایرانیست و دیگری حزب زحمتکشان بود و وظیفه داشتم اعمال این دو حزب را کنترل کنم. از مأموران زیر دست من چهار نفر در حزب پان ایرانیست و ۴ نفر در حزب زحمتکشان بودند.

حزب پان ایرانیست موافق دولت بود و تنها در مورد بهترین اختلاف داشتند و دولت را استثمار کردند و بعد از آن باب مخالفت بسا آنها باز شد. اما رهبران این حزب از جمله حسن پُرشکوه از مسواقین دولت بودند.

حزب زحمتکشان هم به رهبری دکتر مظفر بقالی عملاً موافق دولت بود و حتی در جلسات خصوصی آنها جز انتقادات جزئی از دولت پیش نمی آمد و من فکر می کنم که شاید آقای بقالی این حزب را بعنوان موافق دولت و با همکاری مخفی ساواک تشکیل داده بوده.

## ما با زهم هشدار میدهیم: اخلاگری ضد انقلاب در حمل و نقل سوخت

بدنیال «شدار پیشین مردم» در مورد خرابکاری های ضد انقلاب در امر حمل و نقل سوخت، خبر میرسد که در اوایل آذرماه، تریلر حامل نفت فردی بنام کسوسوئو قاصری، در گردنه زاغدران، بین خرر آباد و ملائیر (مسیر حمل سوخت از خوزستان) مورد حمله گروهی «راهزن مسلح» قرار میگیرد. آنها اموال نامبرده را غارت و تریلر را به ریکار گلوله می بندند و تا بره های آنرا پنجر وادار میکنند و تهدید میکنند که از این پس حق ندارد در این مسیر رانندگی کند، در غیر این صورت او را خواهند کشت.

پرونده این حادثه در پاسگاه پائین گردنه موجود است. چنانکه معلوم است، «راهزنان مسلح» تنها نیت و قصد دزدی نداشته اند، بلکه همچنین میخواستند، راننده را از حرکت در این مسیر (یعنی اخلا در امر حمل و نقل سوخت) بازدارند. بر مقامات مشغول است که با تکیه بر نیروهای نظامی محافظ راهها، از اینگونه اعمال قاطعانه ممانعت درستی کنند.

نامه ۲ تن از کمک رانندگان شرکت ایران پیمانباد استان تهران  
بسمه تعالی  
مقام معظم جناب آقای  
دادستان مستقیم تهران  
معرض میباشم، این جانبان  
امضاء کنندگان زیر، که «مکتب کارکن کمک راننده در شرکت ایران پیمان» متبیم تاکنون تمام نیازها و حقوق ما را شرکت ایران پیمان از ما بر طبق شرایط اخذ نموده و امتیازات ما را در اختیار گرفته که ما را در این زمینه هیچگونه تسهیلاتی در اختیار ما قرار ندادند و ما را در این زمینه هیچگونه تسهیلاتی در اختیار ما قرار ندادند.

مختلعه تهدید میکنند و همچنین ناشی از ناسزا گوئی می نمایند. اکنون بشما پناه آورده و اسعدا داریم تا آنچه با شما در این عائله مشکلیست، حتمی، در حقوق ما عطف توجه فرمائید.

# ضد انقلاب از هیچ تلاشی روی گردان نیست

چند نفر ناشناس آمریکایی در تظاهرات روز عاشورا اهالی لوسان بزرگ شدند.

دهستان لوسان بزرگ در جهت کیلومتری شمال شرق تهران واقع است و بیش از دو هزار نفر جمعیت دارد. روز عاشورا در این دهستان حادثه‌ای روی داد که هم شهیدانی و خواندنی است و هم قابل بررسی و توجه برای آنها که با اعمال و گفته‌های خود میدان را برای ضد انقلاب برون باز می‌کنند. روز عاشورا از صبح زود مردم لوسان بزرگ برای برپایی یک تظاهرات ضد آمریکایی و عزاداری خود را آماده کرده بودند. اما ناگهان سروکله عده‌ای غریبه پیدا شد. آنها مدعی بودند که در حزب جمهوری اسلامی عضویت دارند و پایان بهانه پس از مدتی بحث و گفتگو بارش سفیدهای محل رهبری تظاهرات و عزاداری را به بند می‌گرفتند.

پس از پایان همه بحثها، تظاهرات و عزاداری شروع شد. اما چه مردم سر کردند بلکه شمارهای ضد آمریکایی داده شود، بی‌نیاید بود و حتی چند بار که چند نفری علیه آمریکا شعار دادند، آقایان از شهر آمدند مخالفت کردند و با کمال تعجب مدعی شدند که این شماره باعث تفاق می‌شود. پس از مدتی همه شرکت کنندگان در تظاهرات و عزاداری متوجه شدند که آقایان بجز معلوم مثل اینکه پالانسان تعلق است و هدف و منظور خاص را دنبال می‌کنند. لذا بنای اعتراض دسته‌جمعی را گذاشتند و خطاب به آنها گفتند اگر شمار مرگ بر آمریکا باعث تفاق می‌شود، چرا جلوی آزاد مقابل سفارت آمریکا نمی‌گیرید و تازم رهبر انقلاب در هر یک و نطق و بیانی خود، مدعی مردم را تشویق به مبارزه با آمریکا بنویسید شیطانی بزرگ می‌کند!

آقایان از شهر آمدند که لایه فکری می‌کردند در دستا و مشرب- های کوچک از نفرت ضد آمریکایی خبری نیست و لابد بیسیاسی‌های گذشته مردم در ستارشان بگریبان خودشان است و از ماجراها اطلاع ندارند، مقاومت در برابر مردم را رها کردند و تسلیم خواستهای آنها شدند و وقتی جوانهای دهستان با شمار مردم که بر آمریکا بود آمریکا تنگ به نیت تک تو - خون شهیدان ما می‌چکد از چنگ توه و دمرک بر سه مقدسین - تارتر رسادات و بکین رهبری تظاهرات و عزاداری را به بند می‌گرفتند، برای مدتی کوتاه در میان جمعیت شمارهای ضد آمریکایی را تکرار کردند و بعد از آن هم غیبشان زد.

# ملاک عینی شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران چیست؟

چند روز پیش خبری گزاریها اطلاع دادند که در جلسه‌ای در کوریت، هنگام طرح پیشنهاد سوری و لیبی در پشتیبانی از انقلاب ایران، آقای زکی یمانی، وزیر نفت عربستان سعودی، ظاهراً به بهانه اینکه نمی‌خواهد وارد مسائل سیاسی شود، جلسه را ترک کرده است.

موضوعی که دولت سعودی در سیاست خود بطور کلی، در سیاست نفتی خود بویژه اتخاذ کرده، بر همگان روشن است، اساس این سیاست را اتکاء به امپریالیسم آمریکا و حفظ منافع غارتگرانه آن تشکیل می‌دهد، نه اتکاء بر مردم کشور و دفاع از منافع

مادی و معنوی آنها. در این نمونه بارز با کمال وضوح می‌بینیم که وزیر عربستان سعودی، که در گفتار نسبت به انقلاب اسلامی ایران اظهار ادب کرده بود، در گزاردن، به خاطر عقیم گذاشتن پیشنهاد سوری و لیبی و تأمین منابع غارتگرانه امپریالیسم آمریکا جلسه را ترک می‌کند. یعنی در حقیقت وارد مسائل سیاسی می‌شود، اما بشرط منافع مستضعفان مسلمان عربستان و انقلاب اسلامی ایران، و به نفع طبقات حاکم عربستان و امپریالیسم جهان بخوار آمریکا. اینجاست که یاد دیگر منافع محدود طبقاتی مستکبرین در منافع وسیع توده‌های

انورسادات، که زمام امور یکی از کشورهای بزرگ «اسلامی» را در دست دارد، عملاً با اتکاء به امپریالیسم جهان بخوار آمریکا، بدامن غارتگرترین دشمن همه ملل عرب و دیانت اسلامی آنها، یعنی بدامن امپریالیسم در می‌غلطد و از چنانکاری چون شاه مخلوع نیز با آغوش باز دعوت بعمل می‌آورد.

چنین است که در حال حاضر مللک حسن، سلطان کشور «اسلامی» دیگری چون هیمتلور است و رفتار بسیاری دیگر از مستکبرین ظاهر آمدند. در این حال ما شاهد آن هستیم که کشورهای

سویالیستی، به سر راه بعضی دیگر از کشورهای اسلامی نظیر الجزایر، سوریه، لیبی و سازمان آزادیبخش فلسطین، در کنار بسیاری از کشورهای «جهان سوم»، که از لحاظ فرهنگ و تمدن، اعتقادات مذهبی و فلسفی، منویبتهای ملی و جغرافیایی بسام تقاوت دارند، از انقلاب ایران و منافع واقعی آن پشتیبانی می‌کنند.

بقیه از منصفه ۱ همه نیروهای راستین انقلاب بکرات متذکر شده‌اند که در شرایط فعلی که انقلاب شکوهمند ما با غدارترین دشمن خود آمریکا، یا ایس آمریکا (هم در مقیاس جهانی و هم در داخل کشور) روبرو است، باید از هر گونه تلاشی که خواهناخواه موجب تضعیف مواضع انقلاب می‌شود، خودداری کرد. به ویژه هنگامیکه رهبر انقلاب با تأملت هر چه تمامتر از مواضع خلق‌های مستضعف کشور را خواستهای خودشان دانسته‌اند، در پیام تاریخی امام پیرامون مسئله کردستان تأکید شد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد است که حق اداره امور داخلی و محلی را به خلق‌های کشور بدهد، زیرا تردیدی نیست که تأمین حق اداره امور داخلی و محلی برای همه خلق‌های ایران ضامن وحدت این خلقها و این وحدت ضامن استقلال و تمامیت ارضی ایران است. امام در سخنان اخیر خود یک حقیقت دیگر را بیان کردند، آنجا که گفتند:

«تا حالا این مملکت مال شما نبود، همه چیز در دست دیکران بوده. آری، تا بخال طبقه کارگر کشور، زحمتکشان همه خلق‌های ایران بدست شتی مستکبر، که خود آلت دست امپریالیستهای غارتگر بودند، بیرحمانه استثمار می‌شدند. اکنون دولت انقلاب موظف است تدابیر عملی و جدی در راه انبیام خراسنهای آنها اتخاذ کند. تا بحال روستاییان زحمتکش و مستضعف کشور، از جمله روستای لیان آذربایجان، کردستان و... بدست عده‌ای ثروتمند و مالک بزرگ که خود آلت دست امپریالیستهای غارتگر بودند، به شدت استثمار می‌شدند. اکنون باید سیستم مناسبات ارضی از بنیاد اصلاح شود تا خواستهای بحق روستاییان برآورده گردد.

پیشه‌وران، کسبه، روشنفکران، جوانان، زنان، خلاصه همه اقشار وسیع خلق، مطالبات بحق مادی و معنوی دارند که باید از راه شنیدن این خواستها، رسیدگی شود تا خواستهای بحق روستاییان برآورده گردد. در همین مورد مشخص، علت عدم توجه دولت به خواستهای کارگران برای مسأله حقوق نیست. دولت می‌تواند به تدریج از سیاست‌های خود انقلاب در مورد ملی کردن منابع و مؤسسات بزرگ، «موسسات» های عمومی، راه، که با سرمایه غلامرضا و القایان و بانکها و بیمه‌های غارتگر خصوصی تشکیل شده، دست گیرد. دولت بدینوسیله هم خواست کارگران پاسخ مثبت گفته است و هم از کارشناسی و توطئه کارفرمایان ضد انقلاب در شرب زدن به اقتصاد کشور جلوگیری کرده است.

ما هم از آن بار بدولت هشدار داده‌ایم و بسازم بدون خشکی هشدار می‌دهیم که توجه فوری به خواستهای منطقی طبقه کارگر، که شریکان اقتصاد کشور در دست اوست، از راه وظایف دولت انقلاب است. دست در همین جاست که باید حد اعلا هیثیاری داشت و این زمینه مناسب بذرا افشای ضد انقلاب را از او گرفت. بسای از خواستهای کارگران در همین شرایط با وجود امکانات نه چندان فراوان، قابل اجراء است و می‌تواند بدان پاسخ مثبت داد و به این پاسخ مثبت داد. اگر ضد انقلاب موفق شود در زمینه اقتصادی خواستهای نیازمندیهای ضروری مردم، مردم را به انقلاب و توانائیهای آن بی‌باور کند، دود آن به چشم همه خواهد رفت.

این شخص از عناصر شناخته شده رژیم سابق است، که در آن زمان از هر وسیله‌ای برای تحقیر دانشجویان و جلوگیری از مبارزه و فعالیتشان استفاده می‌کرد. از تکیه کلامهای او هر چه بکار بود، که دانشجویان مبارز را بهان می‌کرد؛ در دوران اوتومداد کثیری از دانشجویان روانه راندانها شدند!

# نمونه در خشان همشپاری طبقه کارگر

هشدار مکرر و بموقع حزب توده ایران به طبقه کارگر درباره ضرورت عدم توسل کارگران به حربه اعتصاب، تحصن و کم کاری در شرایط حساس کنونی، که در کشور مبارزه با هائو تایین امپریالیسم جهانی، یعنی امپریالیسم آمریکا هستیم، بتدریج میان افکار آگاه کارگران راه باز می‌کند و طبقه کارگر، شیرخمش مشکلات واقعی که سرمایه کار و زندگی او قرار دارند و ما بخوبی از آن واقفیم، نمی‌گذرد و دندان بر چنگر گذارد و برای قبولانین خواستهای خود بمقامات مسئول، حتی الامکان از این حربه استفاده نکنند و برای مبارزه در راه تحقق خواستهای خود شیوه‌ها و راههای دیگری را برگزینند. نمونه روشن این همشپاری را در کارگران گمرک جلفا می‌بینیم. جریان بدینطور است:

در دوران طاغوت، چهارصد نفر کارگران گمرک جلفا را بزور عوامل ساواک بشرکتی خصوصی بنام «کسرسوم» ایران کارگاه، انتقال می‌دهند. کارگران که بملت انتقال از بخش دولتی بشرکتی خصوصی، از مزایای بیمه درمان و مستوری بازنشستگی محروم شده بودند، از این امر بی‌خبرند و ناراضی شدند و پیوسته خواستار بازگشت بکار اولیه خود بودند. سه سال پیش، این شرکت بکمک سرمایه‌های مختلف بانکها و بیمه‌ها و افراد غارتگری چون غلامرضا پهلوی و القایان، جای خود را به موسسه انبارهای عمومی ایران، داد. کارگران از ادامه کار در این شرکت نیز که در استفاو بهره‌کشی تفاوتی با سابق خود نداشت، بشدت ناراضی بودند و بر سرخواست قبلی خود همچنان پافشاری می‌کردند. اما این بار هم ساواک با توسل به تهدید و شکنجه آنان را وادار بادامه کارکرد و فزون بر اینها، ۶۰۰ کارگر دیگر هم از بازار آزاد استخدام نمود. استعمار ادا می‌یافت و شگایت کارگران بجای نرسید.

اکنون که انقلاب ایران به پیروزی رسیده است، کارگران مجدداً خواست منطقی و عادلانه خود را به ترتیب زیر مطرح ساخته‌اند:

(۱) یا کارگران به اداره گمرک جلفا بازگردند تا بتوانند از مزایای اشتغال در بخش دولتی، یعنی خدمات درمانی، بازنشستگی و در دوران کفولت بهره‌مند باشند.

# چه دستهایی در حل مسأله آرمیز مسئله کردستان اخلال میکنند؟

حسولان کرده در محل شورای انقلاب، راه که بگفته قبل از پیام تاریخی امام صورت گرفته بود. بهانه‌های تکرار شده بی‌انتهای آشکارا تحریک آمیز، با لحنی خصمانه نسبت به جنبش‌های پیش قدمی امپریالیسم آمریکا و مخالفت خود را با مذاکرات اعلام می‌دارد و همه راه «دولت» انقلابی (۱۵) پس می‌کند و نزدیک، یعنی در حقیقت به تپاسی علیه انقلاب، توهین می‌کند!

سؤال اینست، جنبش که در این هنگام، یعنی هنگام اوج جنبش‌های پیش قدمی امپریالیسم جهانی که کاتر، بیمه و وسایل مقدورش علیه انقلاب مردم ایران محسوس شده است، با زمینها مطالب کهنه و سرای تحریک آمیز (که یک کفنه سبب شروع مساعیات برادر کشی شده بود) بیان می‌آورد. با زبانی پرده تالی دار بین نیروهای راستین انقلاب تفرقه اندازد، و راه حل مسأله آرمیز مسئله کردستان را سد سازد، آیا چنین باصطلاح جنبشی ضد انقلابی نیست؟ آیا هر کسی که در همین جهت حرکت کند، هر کسی که زبان مستقیم و غیر مستقیم این روش تحریک آمیز، خصمانه، نفاق افکنانه - که آشکارا مخالف خط امام است، شود، آگاهانه یا نا آگاهانه، چه بخواید و چه نخواهد، به ضد انقلاب کمک نکرده است؟

بیانه این باصطلاح جنبش خلقی لاسعه، با دستاویز کردن تحصن در شورای انقلاب و ادامه آن تا با امروز، آشکارا ماسی است که حقوق ملی خلق کرد را به نای برای ایجاد نفاق و تفرقه در صفوف انقلاب و کمک به امپریالیسم قرار دهد. این دستهای اخلال گر و نفاق افکن و توطئه گر را باید شناخت و قطع کرد.

ایتالیا  
Shams  
Via G. Vincon, 4  
Ostia (Roma)  
Tel. 0614022 (TUDEH)  
انگلیس  
Rigai Albert  
BP 7560  
75001 Paris  
France  
P.O. Box 141  
London. E 70 PE

**مردم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران  
حیا پناه ۱۶ آذر شماره ۶۸  
تلف: ۹۳۳۴۵۹-۹۳۵۷۲۸  
چاپ، کویان  
**MARDOM**  
No. 115  
12 December 1979  
Price:  
West - Germany 0.80 DM  
France 1.80 fr  
Austria 8 sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 fr.  
Italy 350 L.  
USA 50 Cts.